

به نام خدا

بررسی مقام و موقعیت زن در متون فقهی و حقوقی زردشتی

توسط:

علی عزیزی

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

۱۳۸۲ / ۱۶ / ۱۰

فرهنگ و زبانهای باستانی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

دکتر گلنار قلعه خانی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی ایران (رئیس کمیته)

دکتر محمود رضا دستغیب بهشتی، استادیار فرهنگ و زبانهای باستانی

دکتر فریده پورگیو، دانشیار ادبیات انگلیسی

بهمن ماه ۱۳۸۱

۴۷۲۱۱

توسط هیئت مدیره
وزارت اطلاعات ایران

سپاسگزاری

سپاس فراوان خود را نثار اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر گلنار قلعه‌خانی و جناب آقای دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی که سالها توفیق خوشه چینی علم و معرفتشان را داشته‌ام، می‌نمایم.

همچنین از استاد گرامی سرکار خانم دکتر فریده پورگیو که این پایان‌نامه را با کمال دقت مطالعه، بررسی و تصحیح نمودند کمال سپاسگزاری را دارم.
در پایان از دوست عزیز و بزرگوارم جناب آقای صادق هوشیار که زحمت حروفچینی و تایپ این پایان‌نامه را متقبل گردیدند، سپاسگزارم.

چکیده

بررسی مقام و موقعیت زن در متون فقهی و حقوقی زردشتی

توسط

علی عزیزی

حقوق زن ، همواره موضوعی بوده است که باعث ایجاد تنش‌هایی در جوامع مختلف گردیده است. در اذهان بسیاری از مردم ، هر گاه سخنی از حقوق زنان به میان می‌آید ، تنها این مسئله خطور می‌کند که زن در عرصهٔ پهناور جهان ، از آغاز تا کنون و فارغ از زمان ، مکان ، نژاد ، رنگ و آئین ، بار مسئولیت ویژه‌ای بر دوش دارد و آن عبارت است از زادن ، پروردن و به بلوغ رسانیدن. آیا به راستی نقش زنان در همین چند کلمه خلاصه می‌شود؟ شکی نیست که موارد مذکور بخشی از حیات زن است که انکار و چون و چرا نمی‌پذیرد. اما ، حقیقت این است که زن در ساختار اجتماعی ، تاریخی ، سیاسی و زیر بنای فرهنگ و تمدن و در پیدایش باورها و اعتقادات نقش بس عمده داشته و دارد.

بی‌شک همانطور که هر انسان بر رژیم‌های اجتماعی ، تاریخی ، سیاسی ، فرهنگی و زیر بنای فرهنگ و تمدن و پیدایش باورها و اعتقادات تاثیر گذار است ، رژیم‌های بر جا مانده از گذشته ، که از طرق مختلف قدرت خود را حفظ نموده‌اند نیز بر انسان و حقوق انسانی تاثیر گذارند.

در دیانت زردشتی، اصولاً به دو شیوه بسیار متفاوت با زن برخورد شده است. در گاهان که در میان یسنا قرار دارد و قدیمی‌ترین بخش اوستا و در برگیرنده سرودهایی است که آنرا به شخص زردشت نسبت می‌دهند، زن در جایگاهی رفیع قرار دارد. زن در تمام شئون اجتماعی و دینی با مرد برابر دانسته شده است. اگر چه گاهان به هیچ وجه یک متن حقوقی و فقهی به شمار نمی‌آید، اما از آنجا که قدیمی‌ترین سند مکتوب زردشتی‌گری است و حاوی دیدگاه زردشت و یا بهتر بگوئیم دیانت اصیل زردشتی نسبت به جامعه زنان می‌باشد، لازم است تا آنرا به نحو علمی و منطقی مورد بررسی قرار دهیم و مسائل حقوقی را، هر چند به صورت کلی از آن استنتاج نماییم.

در اوستای متاخر، که شامل بخشی از یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشت‌ها و خرده‌اوستا است، با دین زردشتی متاخر یا شکل مغانه زردشتی‌گری روبرو هستیم که با آموزه‌های اصیل زردشت در گاهان فاصله بسیار دارد. در اینجا زن سرچشمه بسیاری از ناپاکی‌ها است و به هیچ وجه، مقام و موقعیت زن گاهانی را ندارد.

مغان زردشتی چنان در اوج قدرت، با فشار و تهدید و ارباب و نیز تکرار مکررات، قوانین و آموزه‌های مغانه را بر جامعه ایران ساسانی تحمیل کردند که مولفین زردشتی در متون پهلوی قرن‌های اولیه اسلامی نیز این آموزه‌ها را، که در راس آنها کتاب وندیداد قرار داشت، به عنوان دیانت اصیل زردشتی تلقی کرده و رساله‌ها و کتب فقهی و حقوقی بسیاری را بر این اساس، تالیف نمودند.

در این پایان‌نامه که از پنج فصل تشکیل شده است، سعی گردیده تا حد امکان، هر جا تضاد و یا تشابهی در حقوق زن، در اوستای گاهانی و اوستای متاخر و نیز سایر متون پهلوی دیده می‌شود، این تضاد یا تشابه بازگو گردد. از سوی دیگر سعی شده تا زیر و بم و یا تطور حقوق زن در عهد ساسانی نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ هر چند که به نظر می‌رسد بررسی جامع این سیر تطور خود می‌تواند پژوهشی جداگانه باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
 سپاسگزاری
چهار چکیده
شش فهرست مطالب
۱ پاره نخست : مقدمه
۲ ۱-۱ دین و تحولات اجتماعی
۳ ۲-۱ تحول ساختار خانواده ایرانی
۴ ۱-۲-۱ تحول دینی
۵ ۲-۲-۱ تحول اقتصادی
۶ ۳-۲-۱ تحول سیستم حکومتی
۷ ۳-۱ بررسی منابع پژوهش
۸ ۱-۳-۱ دوره باستان
۸ ۱-۳-۱-۱ زبان فارسی باستان
۹ ۲-۳-۱-۱ زبان اوستایی
۱۲ ۲-۳-۱ دوره میانه
۱۳ ۱-۲-۳-۱ زبان پارسی
۱۴ ۲-۲-۳-۱ زبان فارسی میانه
۱۸ ۴-۱ خاستگاه ، اصول عقاید و نقش مغان در عصر ساسانی
۳۰ ۵-۱ پیشینه کار
۳۱ ۶-۱ روش پژوهش
۳۲ ۷-۱ اهمیت و هدف پژوهش
۳۴ ۸-۱ پی نوشت های پاره نخست

۳۶ پاره دوم: ازدواج
۳۷ ۱-۲ اهمیت و هدف ازدواج
۳۷ ۱-۱-۲ گاهان و متون اوستای متاخر و متون پهلوی
۳۹ ۱-۱-۱-۲ جلوگیری از هوسرانی و اشاعه فساد
۴۱ ۲-۱-۱-۲ اسطوره آفرینش
۴۲ ۳-۱-۱-۲ داشتن فرزند
۴۳ ۴-۱-۱-۲ ساختار اجتماعی
۴۳ ۲-۲ انواع ازدواج
۴۴ ۱-۲-۲ پادشاه زنی
۴۴ ۱-۱-۲-۲ شرایط و تعاریف
۴۶ ۲-۱-۲-۲ روابط متقابل
۴۷ ۳-۱-۲-۲ مالکیت
۴۹ ۴-۱-۲-۲ نقش و وظایف
۵۰ ۵-۱-۲-۲ طلاق
۵۱ ۱-۵-۱-۲-۲ خیانت زن به شوهر
۵۱ ۲-۵-۱-۲-۲ نافرمانبرداری زن از شوهر
۵۲ ۳-۵-۱-۲-۲ عقیم و نازا بودن زن
۵۳ ۴-۵-۱-۲-۲ پنهان کردن دستان از شوهر
۵۴ ۵-۵-۱-۲-۲ جادوگری توسط زن
۵۵ ۲-۲-۲ چکرزنی
۵۵ ۱-۲-۲-۲ تعاریف و شرایط
۵۷ ۲-۲-۲-۲ حقوق اجتماعی و ارث
۵۹ ۳-۲-۲-۲ دلایل چکرزنی
۶۱ ۳-۲-۲ ایوک زنی
۶۱ ۱-۳-۲-۲ تعاریف و شرایط

۶۳ ۲-۳-۲ دلایل ایوک زنی
۶۳ ۴-۲-۲ ستر زنی
۶۳ ۱-۴-۲ تعاریف و شرایط
۶۵ ۲-۴-۲ دلایل ستر زنی
۶۶ ۵-۲-۲ خودسر زنی
۶۸ ۶-۲-۲ ازدواج با محارم
۶۸ ۱-۶-۲ تعاریف ، تاریخچه و اهداف
۷۵ ۲-۶-۲ اهمیت و ثواب خریدوده
۸۰ ۳-۶-۲ گناه امتناع از خریدوده
۸۰ ۴-۶-۲ درجات خریدوده
۸۲ ۵-۶-۲ آراء و نظریات
۸۳ ۷-۲-۲ ازدواج استقراضی
۹۱ ۳-۲ پی نوشت های پاره دوم
۹۷ پاره سوم: محدودیتهای زن
۹۸ ۱-۳ سقط جنین یا مرده زایی
۹۸ ۱-۱-۳ مرگ و پلیدی
۹۹ ۲-۱-۳ آبستنی
۱۰۰ ۳-۱-۳ سقط جنین و دروج نسو
۱۰۱ ۴-۱-۳ گناه شرعی
۱۰۲ ۵-۱-۳ نظام طبقاتی
۱۰۵ ۶-۱-۳ احکام شرعی
۱۰۷ ۲-۳ دشتان
۱۰۷ ۱-۲-۳ سایر ادیان
۱۰۸ ۲-۲-۳ احکام شرعی
۱۱۶ ۳-۲-۳ آراء و نظریات

صفحه	عنوان
۱۱۹	۳-۳ پی نوشت های پاره سوم
۱۲۲	پاره چهارم: نتیجه گیری
۱۲۳	۱-۴ زردشت - مغان - مانی - مزدک
۱۳۳	۲-۴ پی نوشت های پاره چهارم
۱۳۴	فهرست منابع
	عنوان و چکیده به زبان انگلیسی

پاره نخست

مقدمه

۱- مقدمه

۱-۱ دین و تحولات اجتماعی

از آنجا که دین کیفیتی است عمومی، که در تمام مظاهر زندگی بشر متجلی است، لذا تاریخ ادیان نیز به عنوان یکی از مهمترین و تعیین کننده ترین بخشهای تاریخ جوامع بشری به شمار می آید. دین چنان نقشی در ساختار و تحولات تمدنها و جوامع دارد که نمی توان سیر تمدن و تحول یک جامعه را بدون آگاهی و شناخت از گذشته دینی آن جامعه مورد بررسی قرار داد. تاریخ نشان می دهد که هر قوم و ملتی دارای دین ویژه خود بوده است و پرستش و دعا، طبیعی ترین اصل زندگانی بشر به شمار می آمده که باعث ایجاد نوعی رضایت و خوشوقتی باطنی در وجود فرد می گردیده است.

ادیان از حیث مضمون و محتوا و نیز رواج و گسترش، تاریخچه ای پر فراز و نشیب و بحث انگیز داشته اند. این فراز و نشیب ها چنان بوده اند که گاه بین صورت اولیه دین اصلی که به وسیله پیامبران ارائه شده و صورت فعلی آن، تفاوت های خاصی ایجاد کرده اند و باعث بروز اختلافات، فرقه ها و انشعاب و نفاق شده اند. دلیل این امر اینست که در میان ادیان و تحولات اجتماعی، نوعی رابطه متقابل وجود دارد. همانگونه که ادیان بر تحولات جامعه اثر می گذارند، عوامل اجتماعی نیز باعث ایجاد برداشتهای متفاوت و گاه متعارضی از یک دین واحد می گردند. در واقع تفسیرها و تاویلهای اهل دین، اغلب باعث مناقشه ها و بحثهایی می گردد. از این روست که برای شناخت و درک صحیح از هر یک از جنبه های اجتماعی یک جامعه، بررسی سیر تحول ادیان آن جامعه و حتی گاهی جوامع مجاور نیز ضروری می باشد.

مصادیق

این موضوع در خصوص دیانت زردشتی کاملاً مصادیق می‌یابد. تفاوت‌های عمده‌ای که در گاهان، به عنوان سروده‌ها و گفته‌های شخص زردشت، با اوستای متاخر دیده می‌شود، گواه این مطلب می‌باشد.

۱-۲ تحول ساختار خانواده ایرانی

یکی از تحولات مهم اجتماعی و دینی جامعه ایران که باعث ایجاد دگرگونی‌های عمده‌ای در عرصه کشاورزی، وضع دهقانان، حقوق زن و ... گردید، تحول ساختار خانواده ایرانی است.

ایرانیان در آغاز به تیره‌هایی تقسیم می‌شدند که بعدها منشاء خانواده‌ها و قبیله‌ها گشتند. البته در اینجا منظور از خانواده، "خانواده بزرگ" است. این خانواده ابتدائی، یکسره روح پدر سالاری داشت و اقتدار پدر در میان آن بی‌حد و حصر بود. این خانواده بزرگ در خلال یک دوره هزار و سیصد ساله، به تدریج روح پدر سالاری و قدرت و انسجام خود را از دست داده و شکلی کاملاً متفاوت به خود گرفت، که در سطور بعد به آن خواهیم پرداخت.

"خانواده بزرگ" متشکل از پدر، مادر، فرزندان، نوادگان، برادران، خواهران، عروسها، دامادها، عموزادگان، عمه زادگان، دایی زادگان، خاله زادگان و بستگان دیگر بود که زیر نظر رئیسی واحد، در پیرامون اجاقی واحد و برای برگزاری آئین و پرستشی واحد، زیر سقفی واحد گرد آمده بودند. این گروه همان گروهی است که از تیره پدید آمده است.

تغییراتی که بعدها منجر به انحلال تیره می‌گردد، در واقع با تغییراتی که در اندیشه دینی جامعه رخ می‌دهد، رابطه مستقیم دارد. تیره‌ها در زیر فشار تبلیغ آئین زردشتی شروع به انحلال می‌کنند و از آغوش تیره‌ها "خانواده‌های بزرگ" پا به عرصه وجود می‌نهند. "خانواده بزرگ" نیز در خلال تسلط امپراطوری هخامنشی دچار تغییر و تحول عمده‌ای می‌گردد. در این دوره، برای نخستین بار، پول و ثروت اقتصادی در جامعه نمودار می‌گردد.

و در نتیجه امکان تقسیم میراث و تقسیم "خانواده بزرگ" به چند خانواده کوچکتر را فراهم می‌آورد. این مرحله پس از تغییراتی که دین جدید ایجاد نمود، به عنوان دومین مرحله بزرگ تطور خانواده به شمار می‌آید. در قرن ششم میلادی، سومین مرحله تطور صورت می‌گیرد و آن زمانی است که تسلط قدرت پادشاهی، تشکیل کشوری تکامل یافته و آزادی مادی و معنوی فرد، شتاب بیشتری به انحطاط قدرت پدر سالاری در جامعه می‌دهد (مظاهری، مقدمه).

برای اینکه این سه مرحله روشن تر و قابل درک تر باشد، بایستی تا حدی در مقام شرح و تفصیل برآئیم.

۱-۲-۱ تحول دینی

همانطور که گفته شد، خانواده بزرگ یا کهسن از تیره، که در اوستا زنتو (-zantu) خوانده می‌شود، سر چشمه می‌گیرد. آنچه از اوستا استناد می‌شود اینست که در دروان گاهانی، مرکز گروه خانوادگی -nmâna یعنی خانه است که خانه سالار یا -nmâno Patay بر آن تسلط و حاکمیت مطلق دارد و این خانه سالار کسی جز پدر خانواده نیست.

سرای شاهی نیز تقریباً همین ساختار را دارد؛ البته با این تفاوت که حوزه اقتدار و حاکمیت او گسترده تر است. او حاکم ده یا -vis است و -vis.Patay خوانده می‌شود. وی از ثروت و قدرت و اختیارات بیشتری برخوردار است که فراتر از استیلا او بر خانواده اش می‌باشد؛ قانون او فراتر از پدر سالاری است، زیرا که او در عین واحد هم پدر است و هم شهریار.

حال سئوالی که مطرح می‌شود اینست که چگونه خانواده ایرانی از قید و بند تیره رهایی می‌یابد؟

مظاهری "نشر آئین زردشت و انتقال از تیره به شاهنشاهی" را بزرگترین عاملی می‌داند که باعث رهایی خانواده ایرانی از "غلاف تیره" می‌گردد (صص ۷ و ۸). به عبارت

دیگر "آئین زردشت در میان عواملی که موجب نابودی بنیان تیره‌ای اجتماع ایران شده به عنوان عامل تکوین ملی، نخستین عامل اجتماعی" به شمار می‌آید (همان ماخذ، ص ۸).

کاری که زردشت بدان اقدام کرد این بود که تیره‌های گوناگون را که همه به لهجه‌های مختلف از یک زبان تکلم می‌کردند، به شکل یک قوم واحد درآورد. زردشت با تعلیم این نکته که شخصی که مظهر شوکت و عظمت پادشاهی و جلال و عظمت ملت ایران است بایستی همه تیره‌ها و قومها را زیر سلطنت خویش درآورد و ذکر این نکته که فرّه شاهی نگهبان این شخص خواهد بود، زمینه را برای بنیانگذاری شاهنشاهی ایران فراهم آورد. شاهنشاهی را که کورش فرزند هخامنش بنیاد نهاد، بیانگر و نماد این تفکر و اندیشه زردشت بود.

این تطّور از تیره به سمت خانواده را در مقایسه اوستای گاهانی و اوستای متاخر به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در اوستای گاهانی از پس نام شخص، آنچه به عنوان نام خانوادگی می‌آید، بیشتر مبین تیره شخص است تا نام نیای آن شخص. اما در اوستای متاخر، به دنبال نام شخص تنها نام خانوادگی وی ذکر می‌گردد. به عنوان مثال در گاتاها، نام زردشت عموماً به همراه "Spitama" که اشاره به طایفه او دارد، می‌آید^۲ (ویدن گرن، ص ۹).

۱-۲-۲ تحول اقتصادی

تحول اقتصادی در زمان هخامنشیان باعث ایجاد نوع دیگری از دگرگونی در ایران شد. تا زمانیکه ثروت ایرانیان، گله و اراضی و املاک را در بر می‌گرفت، میراث خانواده تقسیم ناپذیر بود. اما به محض پیدا شدن پول و اموال منقول، مال فردی بر تملک گروهی غلبه یافت و دست کم تقسیم بخش نقدی میراث امکان پذیر شد. نتیجه این امر این شد که در چنین نظامی تقسیم و تکثیر خانواده امکان پذیر گردد و "خانواده بزرگ" به چندین خانواده کوچک تقسیم شود.

کریستن سن نیز ضمن اشاره به تشکیلات هخامنشیان ، به این نکته اشاره می کند که از میان رئیس خانه، رئیس ده، رئیس طایفه و رئیس کشور، قدرت رؤسای طایفه و کشور از میان رفته و دولت جانشین آنها شد (ص ۳۸). این گفته کریستن سن به طور غیر مستقیم انحلال تیره ، تشکیل خانواده و نقش حکومت را در این بین روشن می سازد.

نخستین خانواده به معنای امروزی آن را ، که متشکل از پدر، مادر و فرزندان است برای اولین بار در قرن ۶ میلادی و در زمان شاهنشاهی ساسانی می بینیم. آنچه که موجب تشکیل این چنین خانواده ای می گردد، تحول کلی جامعه ایران در جهت کاستن از قدرت پدر سالاری ، در جهت آزادی فردی است.

همانطور که قبلاً اشاره شد ، خانواده ایرانی این امتیاز و دستاورد را بیش از هر چیز مدیون آئین زردشت است و در مرحله بعد مدیون عوامل دیگری چون تحول اقتصادی.

۱-۲-۳ تحول سیستم حکومتی

در اواخر قرن سوم میلادی، آن زمان که زردشتی گری به عنوان دین رسمی مملکت به توفیقاتی دست می یابد، دیگر جایی برای نفوذ خانه سالار یا پدر باقی نمی ماند و این مغان هستند که انحصار آئین پرستش خانوادگی را بدست می گیرند و طبعاً اعتبار هزار ساله پدر و پدر سالاری را زیر سؤال می برند.

اگر چه این دین نو ، کمال مطلوب را در مردمی و دادگری جستجو می کرد ، اما مغان به چیزی کمتر از انحصار همه آئین پرستش خرسند نبودند و پدر خانواده حداقل مجبور بود که اختیار مذهبی خود را به مغان واگذارد و این چنین بود که پدر خانواده تا حد یک سرپرست خانواده سقوط کرد. البته موضوع به همین جا ختم نشد. " اینجا هم ، همسرش - زنی که از مرحله بردگی گذشته بود و ناگهان همتا و همه پایه مرد شده بود، شریک اختیار قدرت وی بود (مظاهری ، ص ۱۵). دین زردشت نقش مهمی را برای زنان به ارمغان آورد و او را مبدل به کدبانوی kadak banug خانه کرد.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که در اواخر قرن ۵ میلادی، آئین زردشت در مبارزه با آئین مانی، دین مسیح و کمونیسم مزدک رو به ضعف نهاد و در پی حمایت قباد اول از کمونیسم مزدک و حمایت خسرو اول، هرمز چهارم و خسرو دوم از مذهب نسطوری، محیطی به وجود آمد که زردشتیان را مجبور ساخت برای مواجهه با حمله‌های مذاهب دیگر به دفاع از خود پردازند و بنابر مصلحت، در مقام اصلاح دین خود برآیند. فقها و علمای حقوق ایران، رفته رفته، بر آن می‌شوند که احکام و وصایای مذهب را با اجماع و خرد آشتی دهند و اصلاح تدریجی حقوق و بویژه حقوق خصوصی از همین جا سرچشمه می‌گیرد (مظاهری، ص ۱۶).

روحانیون زردشتی پس از سقوط حکومت ساسانیان برای حفظ دین خود از زوال قطعی در مقام اصلاح دین برمی‌آیند. "عقیده به زروان و اساطیر کودکانه مربوط به آن را حذف کردند و نظریاتی که راجع به تکوین جهان و پرستش خورشید و مقام مهر داشتند را تغییر دادند" (راوندی، ص ۵۲۳). ایشان چنان عقاید خود را مطرح می‌نمودند که گویا از دیر باز بین ایرانیان بر قرار بوده است. بدین ترتیب و با اصلاحاتی که به عمل آمد، دین زردشت به سلاح‌های جدید استدلال مجهز گردید و بیش از پیش در مقابل سایر ادیان آماده دفاع شد (همان ماخذ).

البته این تحولات تنها باعث اقتدار در میان مرد و زن نگردید، بلکه عرصه‌های دیگر اجتماع از جمله کشاورزی و وضع دهقانان و ... را نیز دستخوش دگرگونی ساخت. اما از آنجا که بحث ما در خصوص حقوق و وضعیت زن در دوران ساسانی می‌باشد، تا همین حد بسنده می‌کنیم.^۳

۱-۳ بررسی منابع پژوهش

از آنجا که بخش عمده‌ای از منابع فقهی و حقوقی ساسانی در دوران پس از ساسانی یا بعبارت دیگر قرون اولیه اسلامی تدوین، تألیف و جمع‌آوری گردیده‌اند و از سوی دیگر